



نوع مقاله: علمی پژوهشی

قاسمی، افسانه؛ مهدی‌زاده، شراره و باستانی، سوسن (۱۳۹۹). بررسی خلیقات ایرانیان در واقعه‌ی رژی (بررسی سه مصداق جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون‌گریزی). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷(۱۶)، ۲۴۹-۲۱۷.

بررسی خلیقات ایرانیان در واقعه‌ی رژی (بررسی سه مصداق جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون‌گریزی)

افسانه قاسمی^۱، شراره مهدی‌زاده^۲ و سوسن باستانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱

چکیده

خلیقات ایرانیان از جمله موضوعاتی است که طی دهه‌های اخیر به آن پرداخته شده است؛ اما در همه‌ی پژوهش‌های انجام شده، با رویکرد صفر و یکی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله تلاش نمودیم، نشان دهیم که خلیقات ایرانیان امری فازی است و نمی‌توان با رویکرد صفر و یکی به آن پرداخت. از این رو، در این پژوهش با استفاده از روش فازی به خلیقات ایرانیان در واقعه‌ی رژی پرداختیم. نتایج پژوهش نشان داد که مردم در واقعه‌ی رژی نمرات عضویتی را در ویژگی‌هایی چون جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون‌گریزی به خود اختصاص دادند. در مصداق جمع‌گرایی، مشارکت مردم در اعتراض به قرارداد رژی (۰/۹۲) نمره‌ی عضویت فازی، در استبدادستیزی، شاخص مبارزه تا دستیابی به هدف (۰/۸۱) نمره‌ی عضویت فازی و در قانون‌گریزی، تهدید جانی مسلمانان و بیگانگان (۰/۰۶) نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص داد. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت که رویکرد فازی به خلیقات ایرانیان می‌تواند نتایج مناسب‌تری نسبت به رویکرد دوارزشی صفر و یکی به دست دهد.

کلیدواژه‌ها: خلیقات ایرانیان؛ جمع‌گرایی؛ استبدادستیزی؛ قانون‌گریزی؛ قرارداد رژی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا، afsaneh_ghasemi@yahoo.com
۲- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)، sh.mehdizadeh@alzahra.ac.ir
۳- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا، sbastani@alzahra.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

طی چند دهه‌ی اخیر خلیات ایرانیان مورد توجه صاحب‌نظران ایرانی قرار گرفته است. از زمانی که خلیات ایرانیان مورد چون و چرا قرار گرفت؛ ویژگی‌های مثبت و منفی زیادی توسط نویسندگان داخلی و خارجی به ایرانیان نسبت داده شد. جمالزاده (۱۳۴۵)، بازرگان (۱۳۵۷)، ایزدی (۱۳۸۲، ۱۳۶۱)، سریع‌القلم (۱۳۸۶، ۱۳۹۰)، همایون کاتوزیان (۱۳۷۷، ۱۳۸۸)، رضاقلی (۱۳۸۹، ۱۳۷۷)، نراقی (۱۳۸۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲)، قاضی مرادی (۱۳۸۰، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱)، فراس‌تخواه (۱۳۸۹، ۱۳۹۴) و غیره به خلیات ایرانیان پرداختند و در صدد برآمدن تا تحلیل‌هایی درباره‌ی علل خلق و خوی ایرانیان ارائه دهند.

برخی از این نویسندگان مانند؛ سریع‌القلم، همایون کاتوزیان، رضاقلی، ایزدی، نراقی، قاضی مرادی و غیره خلیاتی مانند؛ استبدادزدگی، خودمداری، فردگرایی، هرج و مرج طلبی، قانون-گریزی و ... را به ایرانیان نسبت می‌دهند. این خلیات در شرایطی به ایرانیان نسبت داده شده و این تحلیل‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که نویسندگان این کتاب‌ها از جمله جمالزاده، ایزدی، سریع‌القلم، نراقی، قاضی مرادی، همایون کاتوزیان و ... در شکل‌گیری نظم دانش کنونی نقش به‌سزایی داشته و دارند و کتاب‌هایشان به چندین چاپ رسیده است. کتاب‌های جمالزاده، نراقی، رضاقلی و قاضی‌مرادی نیز به عنوان تحلیل‌هایی از علت وضعیت جامعه‌ی ایران مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته و از کتاب‌های پرفروش است. در واقع می‌توان گفت؛ که اگر پیش از انقلاب تنها منبع مهم درباره‌ی خلیات ایرانی پس از کتاب جمالزاده، کتاب سازگاری ایرانی مهندس بازرگان باشد؛ پس از انقلاب و در دو دهه‌ی اخیر، مطالب بسیاری درباره‌ی خلیات ایرانی و آنچه به علل شخصیتی عقب‌ماندگی ایرانیان مرتبط است، منتشر و با اقبال عمومی نیز روبه‌رو شده است. کتاب‌هایی مانند؛ چرا عقب مانده‌ایم (ایزدی، ۱۳۶۱)، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی (رضاقلی، ۱۳۷۷)، چرا ایران عقب ماند و چرا غرب پیش رفت؟ (علمداری، ۱۳۸۸) و جامعه‌شناسی خودمانی (نراقی، ۱۳۸۰) با اقبال عمومی فراوانی روبه‌رو شده و این کتاب‌ها گاه تا سی و هفت بار تجدید چاپ شده‌اند (جوادی یگانه و زادقناد، ۱۳۹۴: ۷).

از سوی دیگر، در کنار آثار اندیشمندان ایرانی منابع دیگری مانند سفرنامه‌ها نیز وجود دارند که با بررسی آنها می‌توان به این نتیجه رسید که نویسندگان آنها ویژگی‌های مثبت و منفی دیگری از جمله؛ خون‌گرمی، مهربانی و مهمان‌نوازی، تقدیرگرایی، دروغ‌گویی، تظاهر، ریا و تنبلی و غیره را مورد تأکید قرار داده‌اند. از این رو، با بررسی منابع موجود برای خواننده‌ی این سؤال پیش می‌آید که چرا بسیاری از ویژگی‌هایی که اندیشمندان ایرانی به ایرانیان نسبت داده‌اند و بر اساس آن خلیات ایرانی را تحلیل و تبیین نموده‌اند را سفرنامه‌نویسان خارجی کمتر مورد تأکید

قرار داده‌اند و در این میان جایگاه هر یک از ویژگی‌های مورد تأکید در زندگی روزمره‌ی ایرانیان کدام است؟

سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که؛ آیا می‌توان با رویکرد دیگری غیر از رویکردی که تا به امروز مورد توجه محققان بوده است به خلقیات ایرانیان نگریست؟ و آیا جای خالی آن احساس نمی‌گردد؟ به نظر می‌رسد که محققان ایرانی در بررسی‌هایشان از نگاه فازی به خلقیات ایرانیان روی‌گردان بوده‌اند. این در حالی است که باید با رویکردهای متفاوت به موضوعات مختلف از جمله خلقیات ایرانیان نگریست تا بتوان تبیین دقیق‌تری از آن به دست داد. روش فازی از جمله روش‌هایی است که روش دوارزشی را به چالش کشیده و آن را بسط می‌دهد. در واقع روش فازی این امکان را فراهم می‌سازد تا بتوانیم به خلقیات ایرانیان به مثابه امری خاکستری بنگریم. چرا که «معرفت‌شناسی فازی مدعی است گزاره به مثابه یک حقیقت علمی نمی‌تواند تنها به فضای دوارزشی صدق یا کذب محدود شود؛ بلکه حقیقت فازی تابع درجات است و ممکن است همواره تغییر کند. در این معنا گزاره‌های معرفتی فقط سیاه یا سفید نیستند؛ بلکه تا اندازه‌ای خاکستری (غیردقیق و فازی) هستند» (ساعی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

از آنجا که «معرفت فازی مبتنی بر سه نقطه‌ی گسست کاملاً عضو (۱)، نقطه‌ی تقاطع (۰/۵) و کاملاً غیرعضو (۰)» (راگین^۱، ۲۰۰۹: ۳۰). است می‌تواند به ما کمک نماید تا از نگاه صفر و یکی به خلقیات ایرانیان دست برداشته و با یک رویکرد نسبی‌گرایانه‌تر به آن پردازیم. همچنین نگاه به خلقیات ایرانیان از منظر رویکرد فازی این امکان را فراهم می‌کند تا بتوانیم به نتایج مناسب‌تر و در نتیجه به نگاهی فراتر از رویکرد دوارزشی دست یابیم. رویکرد فازی به ما کمک می‌کند تا بررسی دقیق‌تر و واقع‌گرایانه‌تری به خلقیات ایرانیان داشته باشیم و در نتیجه نسبی بودن آن را در ادوار مختلف نشان دهیم و در تبیین علی آن نیز دقیق‌تر گردیم.

از این رو، هدف این مقاله بررسی وضعیت خلقیات ایرانیان در مقابله با قرارداد رژی است. از آنجا که واقعه‌ی رژی یکی از نقاط حساس و مهم تاریخ ایران از منظر مداخله‌ی مردم ایران در تصمیمات حکومت است می‌تواند به ما در ارائه‌ی رویکردی متفاوت از رویکرد مسلط به خلقیات ایرانیان کمک نماید. چرا که جای خالی رویکردهای متفاوت در خلقیات ایرانیان کاملاً احساس می‌گردد.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

"خلقیات ما ایرانیان" جمالزاده (۱۳۴۵) از نخستین آثار درباره‌ی خصایل و رفتار ایرانیان است. جمالزاده در این کتاب تلاش نمود تا دردهای جامعه‌ی ایران را شناسایی نماید. وی معتقد است که خلقیات ما ایرانیان علت عقب‌ماندگی ما است و اگر بخواهیم مانند کشورهای پیشرفته جلو برویم؛ باید این خلقیات را شناخته و آنها را تغییر دهیم. ویژگی‌هایی که جمالزاده به ایرانیان نسبت می‌دهد عبارتند از؛ خون‌گرم بودن، خوش مشربی، بلندنظری، مبادی آداب بودن، آبرومند بودن، زحمت‌کش بودن، وفاپرووری و جوانمردی، راستگویی، مهربانی، بردباری و قناعت، دقت و احتیاط، مهمان‌نواز بودن، نکته‌سنجی و نکته‌دانی، دروغ‌گویی، پنهان‌کاری، پرگویی، خودخواهی بی‌حد و حساب، خودستایی، متکبر بودن، مستبد بودن و غیره.

بازرگان در کتاب "سازگاری ایرانی" (۱۳۵۷) به ویژگی‌های خلق و خویی ایرانیان و علل شکل‌دهنده آن می‌پردازد. وی در این کتاب نشان داده است که مهم‌ترین ویژگی روحی و فرهنگی مردم و ملت ایران طی تاریخ ۲۵۰۰ ساله سازگاری با عوامل محیطی بوده است. از ویژگی‌هایی که بازرگان به ایرانیان نسبت می‌دهد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: صلح‌جویی، ملایمت‌گری، بردباری، وارهایی، تک‌زیستی، ضعف اتکاء به نفس، انصراف از کار، بی‌اعتنایی نسبت به مردم، عدم اتحاد، قضاوت‌های فوری، خودبینی، خودخواهی، انفرادی‌الطبع بودن، نداشتن اخلاق اجتماعی، تفرقه‌ی اجتماعی، بی‌نظمی و بی‌بندوباری، فرار از مبارزه و چاره‌جویی، دروغ‌گویی و تقلب، دوگانگی، روح استبدادی، تزلزل راستی و اخلاق، حسادت، خیانت.

ایزدی (۱۳۶۱) معتقد است که خلقیات ایرانیان مهمترین عامل عقب‌ماندگی جامعه‌ی ایران است و خلقیاتی منفی را به ایرانیان نسبت می‌دهد و معتقد است که بیشتر ایرانیان به آن دچارند. این خلقیات عبارتند از؛ تجسس و دخالت در کار همه، علامه دهر بودن، استهزاء، غیبت و بدگمانی، عجله و سمبل‌کاری، فرار از نظم و برنامه، رشاء و ارتشاء، لجبازی و انتقام‌جویی، ترسو و کجدار و مریز رفتار کردن، دروغ‌گویی، عدم اطاعت و یاغی‌گری، بی‌اعتنایی به قانون و مقررات، افراط و تفریط، بوقلمون‌صفتی، دورویی و نفاق، عهدشکنی، اهل گول زدن و گول خوردن، بگو چشم ولی نکن و اهل قهر و آشتی.

همایون کاتوزیان (۱۳۸۸) نیز از جمله اندیشمندانی است که به خلقیات ایرانیان و علل موثر بر آن پرداخته است. وی سه ویژگی اصلی ایرانیان را استبدادی بودن، کوتاه مدت بودن و هرج و مرج طلب بودن دانسته و معتقد است که این ویژگی‌ها فقط مختص حکومت ایران نبوده؛ بلکه

کل جامعه‌ی ایران این خصلت‌ها را از خود بروز می‌دهد. همایون کاتوزیان علت خلق و خوی ایرانیان را در احساس عدم امنیت در جامعه دانسته و معتقد است که عدم امنیت باعث می‌شود یک فرد ایرانی نداند در آینده‌ای نه چندان دور قرار است چه اتفاقی برایش بیفتد. غیرقابل پیش‌بینی بودن و احساس ناامنی در زندگی همه افراد وجود دارد و بر روحیات و خلیقات آنان تأثیر می‌گذارد.

قاضی مرادی (۱۳۸۰، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱) از مهم‌ترین ویژگی‌های ایرانیان را استبدادزدگی، خودمداری، قانون‌گریزی، فرهنگ تک‌گویی، تعصب، گرایش به مطلق‌نگری، ناتوانی در انجام فعالیت‌های جمعی، پرهیز از صداقت و صراحت، تقدیرگرایی، هرج و مرج‌طلبی، فرصت‌طلبی، قدرت‌پرستی و غیره می‌داند. وی علت موثر بر خلیقات ایرانیان را حکومت استبدادی می‌داند که در کل تاریخ سیاسی ایران وجود دارد. خودمداری حاکم مستبد، فرهنگ و مناسبات شخصی شده یا خودمدارانه را در جامعه گسترانده که باعث خودمداری مردم ایران نیز شده است.

رضاقلی در دو کتاب "جامعه‌شناسی نخبه‌کشی" (۱۳۷۷) و "جامعه‌شناسی خودکامگی" (۱۳۸۹) به برخی از خلیقات ایرانیان اشاره نموده که عبارتند از: عدم درگیری عقلانی با دشواری‌ها، عجز، فرهنگ سفله‌پرور، فرهنگ غیرخلاق، فرهنگ پرکار، خودکامگی، غیرمولد بودن و غیره. برخی از ویژگی‌هایی که وی در کتاب جامعه‌شناسی خودکامگی به ایرانیان نسبت می‌دهد نیز عبارتند از: تقدیرگرایی، تجربه نگرفتن از گذشته، مسئولیت‌ناپذیری. وی تلاش نمود تا نشان دهد ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تاب تحمل اصلاحات را نداشت. وی همچنین معتقد است تا زمانی که ساختارهای استبدادپرور وجود دارند، هر گونه که با آن گلاویز شویم و آن را تحویل دیگری بدهیم، همچنان به تولید محصول خود ادامه می‌دهند.

سریع القلم (۱۳۸۶) ویژگی‌های رفتاری ایرانیان را در سه سطح فرد، ماهیت روابط شهروندان و ساختارها شناسایی و تبیین نموده است. وی معتقد است اگر بخواهیم بین سه سطح تحلیل فوق رابطه علت و معلولی برقرار کنیم طبیعی است که سطح تحلیل سوم یعنی ساختارها را باید علت و دو سطح دیگر را معلول تلقی کنیم. از جمله ویژگی‌هایی که سریع القلم در سطح روابط میان شهروندان به ایرانیان نسبت می‌دهد عبارتند از: بی‌اعتمادی، ضعف در شایسته‌سالاری، احترام قائل نبودن واقعی برای دیگران، نگاه ابزاری به دیگران، ضعف در پیگیری اهداف جمعی، آشنا نبودن به قواعد رقابت، نپذیرفتن تفاوت‌های یکدیگر.

نراقی (۱۳۸۰)، (۱۳۹۱)، (۱۳۹۲) نیز به خلیقات ایرانیان پرداخته است و سعی نمود عوامل شکل‌دهنده بر خلیقات ایرانیان را شناسایی نماید. از جمله ویژگی‌هایی که وی برای ایرانیان برمی‌شمارد عبارتند از: بیگانگی با تاریخ، حقیقت‌گریزی و پنهان‌کاری، ظاهرسازی، قهرمان‌پروری

و استبدادزدگی، خودمحوری و برتری‌جویی، بی‌برنامگی، ریاکاری و فرصت‌طلبی، احساساتی بودن و غیره. نراقی درباره‌ی عوامل مؤثر بر خلیقات ایرانیان نیز معتقد است که همیشه ترکیب و تقاطع حرکات و خواست‌ها و افکار گوناگون است که خلیقات ایرانیان را شکل داده است که شباهت‌هایی با تک تک عاملان خود دارد. ساختار اجتماعی روی رفتار تک تک افراد جامعه اثر می‌گذارد؛ اما باید در نظر داشت که ساختارهای اجتماعی توسط تک تک مردم شکل می‌گیرد.

فراستخواه (۱۳۹۴، ۱۳۸۹) معتقد است که خلیقات ایرانیان امری ایستا نبوده و نباید ذات-باورانه به آن نگریست. وی ۸۰ نوع خلق و خو و روحیه به ایرانیان نسبت می‌دهد و آنها را در ۵۶ دسته علل (در چهار سطح) بازنمایی می‌کند. وی معتقد است که باید با رویکردی سیستمی و کل‌نگر به روحیات ایرانیان پرداخت و چهار سطح را برای بررسی پیشنهاد می‌کند. وی معتقد است که خلیقات ایرانیان تحت تأثیر چهار عامل محیط منطقه‌ای و جهانی، وقایع و رویدادها، نهادها و ساختارها و عاملیت انسانی قرار دارد.

امیر (۱۳۹۴، ۱۳۹۵) به تبارشناسی متون منش ملی ایرانیان پرداخته است و آثاری از حسن نراقی، حسن قاضی‌مرادی، محمود سریع‌القلم، علی رضا قلی، علی شریعتی، جلال آل احمد، مهدی بازرگان و جمالزاده را در زمینه‌ی منش ملی ایرانیان بررسی نموده است. وی به این نتیجه رسیده است که خودشرق‌شناسی خوانش غالب بر حوزه‌ی تشریح منش ملی ایرانیان در عرصه‌ی عمومی ایران در بیست سال اخیر است؛ اما تنها خوانش موجود نیست. غرب‌زدگی آل احمد و بازگشت به خویشتن شریعتی از جمله متونی هستند که گفتمان آنها ترکیبی از ضدشرق‌شناسی، خودشرقی کردن است. این دو متن نقدهای مستقیم به دانش شرق‌شناسی متعارف وارد می‌کنند. جوادی یگانه جامعه‌ی ایرانی را یک جامع دوگانه می‌داند و معتقد است که «جامعه‌ی ایرانی یک جامعه‌ی دوگانه است که در موقعیت‌های گوناگون، متفاوت عمل می‌کند. در موقعیت‌های نفع (سیاسی/اقتصادی) به گونه‌ای عمل می‌کند و در موقعیت‌های غیرنفع (اجتماعی/مذهبی) به گونه‌ای دیگر» (جوادی یگانه، ۱۳۹۵: ۳۰۸). وی معتقد است که در تبیین علت این دوگانگی می‌توان از نظریات استبداد و ناامنی و ترس ناشی از آن استفاده نمود (همان، ۳۰۹).

بی‌من^۲ (۱۹۷۶) نیز از جمله پژوهشگرانی است که به خلیقات ایرانیان پرداخته است. ویژگی-هایی که وی به ایرانیان نسبت می‌دهد عبارت است از؛ زرنگی، عیاری، بی‌اعتمادی، بدگمانی، احساسی، اقتدار، انقیاد و خودمختاری. بی‌من معتقد است که منش ملی ایرانیان را باید به عنوان بازتاب سیستم‌های ارتباطی دانست که مطالعه‌ی منش ملی عمدتاً در مورد تفسیر تحلیلی

سیستم‌های ارتباطی موجود در کل جامعه است. این سیستم‌ها که الگوهایی از رفتارهای ارتباطی زبان‌شناختی و غیر زبان‌شناختی هستند شامل؛ الزامات قانونی و الگویی هستند. ساموئل بار^۳ (۲۰۰۴) مهم‌ترین ویژگی ایرانیان را فردگرایی می‌داند که ریشه در شرایط جغرافیایی، کیفیت زندگی خانوادگی یا ساختار مستبدانه حکومت دارد. بار معتقد است که فردگرایی منشأ ویژگی‌های دیگری است که اغلب به ایرانیان نسبت داده می‌شود: سوءظن و عدم اعتماد به هر کسی که بیرون از دایره‌ی صمیمت قرار دارد و خصوصاً هر کسی که در دایره‌ی قدرت، دولت و قدرت‌های بیگانه قرار دارد. وی همچنین معتقد است که فردگرایی در حوزه‌های خارج از خانواده نیز وجود دارد که شامل؛ سنت دوره (محفلی)، پارتنری بازی (حمایت‌گری) و روابط (ارتباطات) می‌شود.

در نهایت، با بررسی پژوهش‌های حوزه‌ی خلیقات ایرانیان می‌توان گفت؛ که نگاه منفی و بدبینانه رویکرد غالب بر پژوهش‌های اندیشمندان حوزه‌ی خلیقات ایرانیان است که این نگاه بر رویکرد اندیشمندان اولیه این حوزه مسلط‌تر است و هر چه به پژوهش‌های جدیدتر می‌رسیم (مانند پژوهش‌های محققانی چون فراستخواه، جوادی یگانه و امیر) سایه این نوع نگاه بر سر خلیقات ایرانیان کمتر می‌شود. برای مثال، امیر در پایان نامه‌ی دکتری خود رویکرد محققان پیشین را مورد نقد و بررسی قرار داده است و معتقد است که رویکرد شرق‌شناسانه خواهش غالب بر نظریات اندیشمندی چون؛ جمالزاده، بازرگان، ایزدی، قاضی‌مرادی، رضاقلی، سریع‌القلم و ... است. یکی از دلایل غلبه‌ی این نگاه بدبینانه نسبت به خلیقات ایرانیان تسلط نگاه صفر و یکی و عدم توجه به رویکردهایی مانند رویکرد فازی است. همچنین عدم توجه بر گسست در خلیقات ایرانیان به تسلط نگاه بدبینانه به خلیقات ایرانیان در پژوهش اغلب پیشینیان شده منجر است. اگر با رویکرد گسست به خلیقات ایرانیان بپردازیم می‌توانیم لحظات و علل تغییر در خلیقات را شناسایی نماییم که منجر می‌شود نگاه نسبی‌گرایانه‌تری نسبت خلیقات ایرانیان داشته باشیم.

۲-۲- پیشینه‌ی نظری

علیرغم یک ادبیات عظیم که به شخصیت ملی اختصاص داده شده است، ماهیت، علل و وجود آن همچنان مهم‌ترین موارد اختلاف است. پیش از این، روح ملی تقریباً منحصرأ به عنوان محصول طبیعت و در نتیجه غیر قابل تغییر بود. نویسندگان قرن هجدهم آن را عمدتاً به عنوان محصول حکومت و جامعه شناختند، و به این ترتیب نسبت به تغییر آن نیز مسئول بودند. این دیدگاه دوم

عمدتاً دیدگاه دیوید هیوم است که گفت مردم انگلیس نسبت به مردم دنیا دارای حداقل شخصیت ملی هستند (هرتز^۴، ۱۹۳۴: ۳۴۷).

نیبرگ^۵ معتقد است از آنجا که مفهوم منش ملی اولین بار در نیمه‌ی دوم قرن هجدهم در اروپا شکل گرفت، این ایده که ساکنان هر ملتی دارای ویژگی‌های روانشناختی و فرهنگی مشترک هستند، به آنها هویت داده و آنها را از دیگران متمایز می‌سازد، همواره بخشی از ایدئولوژی و عمل ناسیونالیسم قرار گرفت. از این رو، وضعیت دوگانه‌ی آن، به طور همزمان یک عبارت هم توصیفی و هم تجویزی است. این مفهوم از یک طرف، آداب و رسوم، اشکال وجود و احساس جوامع را توصیف می‌کند، از سوی دیگر، برای ایجاد ادعاهای مشروع برای حاکمیت و اشکال عمل سیاسی خدمت می‌کند. یکی به ذات مردم و یا ملت اشاره دارد، و دیگری فرض می‌کند که اقدام جمعی می‌تواند به نفع و یا حتی خلق شخصیت ملی یک اجتماع سیاسی خدمت کند (نیبرگ، ۲۰۰۱: ۱۰۲۹۶).

ریچارد کنویکس^۶ معتقد است که شخصیت یک ملت باید ترکیبی از ویژگی‌های برجسته‌ای درک شود که توسط آن ملت متمایز می‌شود. اگر چه هر عضو جامعه دارای طرز تفکری خاص است که ذهن او را تشکیل می‌دهد؛ اما کلیات مشخصی وجود دارد که توده‌ی مردم را فرا می‌گیرد (باندیوپادایا^۷، ۱۹۷۶: ۵۳۳).

توماس بوکل^۸ نیز منش ملی را عادت‌های متفاوت تفکر ملی و تنوعات در شخصیت محبوب تعریف می‌کند (همان). ارنست بارکر معتقد است که منش ملی مجموع گرایش‌های اکتسابی است که مردم یک جامعه در یک زمینه‌ی بومی چون آمیختگی نژادی، قلمرو و تنوع اجتماعی و گروهی جمعیت آن می‌سازد (همان، ۵۳۴-۵۳۳).

موضع‌گیری درباره‌ی مطالعه منش ملی می‌تواند به عنوان تغییر در دوره‌های مختلف زمانی نشان داده شود. گینسبرگ^۹ اولین بار اشاره کرد که حداقل دو معنی را می‌توان برای مفهوم شخصیت ملی اتخاذ کرد: ۱- به عنوان ویژگی‌های مشترک افراد در یک گروه؛ ۲- به عنوان الگوهای رفتاری گروه به عنوان یک کل. در آن زمان نظر وی این بود که اغلب کارهای برتر

1- Hertz
2- Neiburg
3-Richard Chenevix
4- Bandyopadhyaya
5-Thomas Buckle
6-Ginsberg

درباره‌ی منش ملی مربوط به شیوع صفات در گروه است. کلاینبورگ^{۱۰} این موضوع را با این جمله که هر دو رویکرد معتبر هستند و گروه صرفاً مجموع افرادش نیست و می‌تواند با مطالعه افراد آن آموخته شود خلاصه کرد. واکنش به نقطه نظر افراطی گینسبرگ و واکنش به «نوع شخصیت اساسی» کاردینر^{۱۱} و «شخصیت اجتماعی» فروم^{۱۲} نقطه نظر بندیکس^{۱۳} است که تمام فرهنگ‌های تمدن غربی اساساً طیف یکسانی از انواع شخصیت را دارا هستند؛ اما فرهنگ‌ها تقاضاهای مختلفی به واکنش‌های اجتماعی افراد می‌دهند. در نهایت، ۱۵ سال پس از گینسبرگ، اینکلز^{۱۴} و لوینسون^{۱۵} بیان کردند که باید مفهوم منش ملی را با مفاهیمی مانند «ساختار شخصیت نمایی» و «شخصیت اجتماعی» فروم یکسان فرض کرد (نت^{۱۶}، ۱۹۵۷: ۳۰۰-۲۹۹).

به عقیده‌ی اینکلز منش ملی باید با ساختار شخصیت نمایی معادل گرفته شود. به این معنا، منش ملی باید نشان‌دهنده‌ی نما یا نماهای موجود در توزیع انواع شخصیت در یک جامعه باشد (اینکلز^{۱۷} و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰). منش ملی به ویژگی‌ها و الگوهای شخصیتی نسبتاً پایدار «نما» در بین اعضای بزرگسال یک جامعه اشاره دارد (همان، ۴۰). می‌توان گفت منش ملی زمانی موجودیت دارد که صرف ویژگی‌ها و نشانه‌های شخصیت نمایی موجودیت داشته باشند؛ اما تعداد نماها، فارغ از اهمیت نظری و تجربی آن ارتباطی به تعریف منش ملی ندارد (همان، ۴۴).

مارگارت مید^{۱۸} معتقد است که شخصیت و فرهنگ به صورت تفکیک‌ناپذیری با یکدیگر هم‌بسته‌اند و تار و پودشان در هم تنیده است (همان، ۱۲۹). وی معتقد است که مطالعات فرهنگ ملی باید هر گونه تحلیل شخصیت ملی را پیش برد. به این معنا، نهادهای رسمی و همچنین قواعد غیررسمی رفتار، که خصیصه‌های یک ملت را مشخص می‌کنند، باید مشخص شود، به خصوص همان طور که در گروه‌های کوچکی که موضوع خاصی از نظارت انسان‌شناس هستند، آشکار می‌شود. فناوری، اقتصاد، سازمان اجتماعی، هنر، مذهب، زبان - به عنوان جنبه‌های مختلف یک فرهنگ - باید با دقت کافی توصیف شود تا صحنه‌ی فرهنگی که در آن عوامل شخصیتی کار می‌کنند، شناخته شده باشد. هنگامی که فرهنگ توصیف می‌شود، ما می‌توانیم بر فرایندهایی

-
- 1-Klineberg
 - 2-Kardiner
 - 3- Fromm
 - 4- Bendix
 - 5- Inkeles
 - 6-Levinson
 - 7-Nett
 - 8- Inkeles& et al.
 - 9- Margaret Mead

متمرکز شویم که در زندگی روزمره‌ی مردم دخیل‌اند. فرآیندهایی که از آن میان فرهنگ و شخصیت یک مجموعه است (ماندابلوم^{۱۹}، ۱۹۵۳: ۱۷۵).

ریزمن^{۲۰} منش ملی را به معنی «الگوهای مشترک شخصیتی اعضای یک جامعه تعریف می‌کند» (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۳۹۷). وی معتقد است که تفاوت‌های قابل توجهی بین آمریکا و جوامع دیگر در انتظاراتی مربوط به جنسیت و ویژگی‌های قومی، مذهبی و اجتماعی مشاهده می‌شود. عوامل اقتصادی، رسانه‌های جمعی و آموزش و پرورش در تأثیرگذاری بر شخصیت ملی آمریکا مهم هستند (ریزمن، ۱۹۶۷: ۳۶). به عقیده‌ی ریزمن مدرنیته یکی از عوامل مهم تغییر شخصیت یا منش اجتماعی افراد بوده است (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۳۹۷).

بارکر^{۲۱} معتقد است که منش ملی، اساس مادی و غیرمادی دارد. بنیان مادی آن شامل عوامل نژادی، جغرافیایی (مانند محیط و آب و هوا) و عوامل اقتصادی (مانند جمعیت و شغل) است. عوامل غیرمادی شامل فاکتورهای سیاسی (مانند قانون و دولت)، مذهب (تحت تأثیر کلیسا) و زبان، ادبیات و تفکر می‌شود (بارکر، ۱۹۲۷: ۲-۳).

هرتز، منش ملی را شامل؛ آرمان‌ها، آرزوها، باورها، اشکال اندیشه و عادت‌هایی می‌داند که اهداف مشترک و احساسات ملت‌ها را شکل می‌دهند و از این طریق امکان وجود ملت را فراهم می‌سازند. بدیهی است که این امر عمدتاً محصولی از تاریخ است که در سنت‌ها و مؤسسات و در معرض تغییر است. با این وجود، باید بررسی شود که آیا عوامل طبیعی و گرایش‌های نژادی در شکل‌گیری آن نقش دارند یا محدودیت‌هایی برای تغییرپذیری آن‌ها وجود دارد (هرتز، ۱۹۳۴: ۳۴۸).

بخش بزرگی از آنچه که ما روح ملی می‌نامیم کم و بیش حاصل نفوذ بیگانگان است و یا به صورت خودبه‌خودی و به شیوه‌ی یکسان در کشورهای مختلف توسعه یافته است. بنابراین نباید هر ویژگی را مختص و اصیل یک ملت دانست. اصالت ملی عمدتاً ترکیبی از ویژگی‌هایی است که می‌توان آن را در ملل مختلف یافت و یا عمدتاً به ویژگی‌های خاص و به ویژه توسعه قوی آنها (اصالت ملی) منجر می‌شود (همان، ۳۵۶).

یک وحدت نسبی خاص در هر حوزه‌ی فرهنگ و یک هماهنگی مشخص بین زمینه‌های مختلف وجود دارد. این وحدت بیشتر جایی مشخص است که دولتی متمرکز، کلیسا یا جامعه استانداردهایی را تعیین و در کنار هم کار کنند. به این مورد همچنین باید تأثیرات متحد را اضافه

1- Mandelbaum
2- Riesman
3-Barker

کرد مانند سنت، منافع اقتصادی و فاکتورهای جغرافیایی. یک کشور کوچک و نفوذپذیر نسبت به یک امپراتوری وسیع با مرزهای درونی زیاد، یک‌دست‌تر خواهد بود. منافع اقتصادی برای اتحاد ملی ایجاد می‌شود چرا که منافع اقتصادی نیاز به وحدت ارزی، اقدامات، قانون و غیره دارند (همان).

هرگز همچنین معتقد است که در توسعه‌ی تاریخی روح ملی یک وحدت سخت وجود ندارد و قطعاً این درست نیست که منش اجداد ما در هزار یا دوهزار سال پیش مشابه نسل‌های امروزمان باشد (همان، ۳۵۷).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که علی‌رغم ادبیات عظیم در مورد خلیقات، همچنان درباره‌ی تعریف و علل موثر بر آن اختلافات زیادی وجود دارد. نظریه‌پردازان مختلف در رشته‌هایی چون مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی به تعریف و بررسی آن پرداختند و در تبیین آن بر علل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تأکید نمودند.

۳- روش تحقیق

در این پژوهش از روش فازی کیفی برای تحلیل اسناد مربوط به خلیقات ایرانیان در واقعه‌ی رژی استفاده شد. داده‌های کیفی از اسناد کتابخانه‌ای موجود جمع‌آوری شده و سپس به روش فازی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

امتیاز رژی

قیام رژی به عنوان اولین تکان و جنبش ملت ایران در تاریخ ایران ثبت شد (سرداری نیا، ۱۳۷۷: ۴۲). قیام رژی در پی قراردادی رخ داد که در ۳۰ اسفند ۱۲۶۸ ه.ش بین ایران و تالبوت انگلیسی امضا شد (همان: ۱۰). به موجب این قرارداد، قرار شد دولت ایران، انحصار کامل خرید و فروش و به عمل آوردن توتون و تنباکو در کلیه ایالات ایران و حق صدور آن را به مدت ۵۰ سال، از تاریخ امضای انحصارنامه به تالبوت و شرکای او واگذار کند و در مقابل سالی ۱۵ هزار لیره‌ی انگلیسی به عنوان حق انحصار به خزانه دولت پرداخت شود (همان: ۱۲). همچنین به موجب این امتیاز، هر عملی در مورد تنباکو را مطلقاً به کسب اجازه از صاحب امتیاز، مشروط می‌ساخت. در عوض صاحب امتیاز به توتون‌کاران وعده می‌داد که در مقابل محصول‌شان، پول نقد به آنها بپردازد و احیاناً محصول آنها را با نرخ بهره‌ی نازلی پیش‌خرید کند (کدی، ۱۳۵۶: ۴۰).

اعطای امتیاز تنباکو برای نخستین بار رسماً توسط ناصرالدین شاه اعلام شد و تقریباً بلافاصله مخالفت با آن در داخل ایران شروع شد (کدی، ۱۳۵۶، ۶۲) و به محض اینکه نمایندگان انحصار فعالیت خود را آغاز کردند نارضایتی عمومی آغاز شد (الگار، ۱۳۶۹: ۳۰۸). نارضایتی عمومی به

شهرهای ایران کشیده شد و شهرهای مختلف ایران از جمله؛ تهران، شیراز، تبریز، مشهد، کرمان، قزوین، سبزوار، کرمانشاه، یزد، جهرم و ... در مخالفت به این امتیاز دست به شورش زدند که این شورش‌ها در نهایت به لغو امتیاز رژی به دست ناصرالدین‌شاه منجر شد (آدمیت، ۱۳۶۰، آژند، ۱۳۶۷).

روش فازی

تحلیل فازی هنگامی با جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی ارتباط پیدا کرد که اصول اساسی مجموعه‌های فازی برای تحلیل تطبیقی کیفی توسط راگین تدوین شد. در این راستا راگین استدلال نمود که تحلیل تطبیقی کیفی مجموعه فازی روش‌شناسی نوینی را برای جامعه‌شناسی فراهم می‌آورد که با روش‌های کمی متعارف در علوم اجتماعی (که عمدتاً مبتنی بر کوواریانس و همبستگی میان متغیرها می‌باشد) مغایر است (راگین به نقل از طالبان، ۱۳۹۴: ۱۹۹).

از آنجا که رویکرد فازی حاصل انتقاد از معرفت‌شناسی دوارزشی^۱ است (ساعی، ۱۳۹۲: ۱۱۱) و با اتخاذ نمرات اعضا در فاصله‌ی بین ۰ و ۱ مجموعه کلاسیک (قطعی) را بسط می‌دهد (راگین و پنینگ^۲، ۲۰۰۵: ۴۲۳). می‌تواند چارچوب جدیدی برای بررسی پدیده‌های اجتماعی به ما ارائه نماید. در منطق فازی به جای حالت دوگانه صدق و کذب، "درجات صدق" را در اختیار داریم که به کمک آن می‌توان میزان انطباق هر مصداق را با معنا بسنجیم (ساروخانی و صادقی پور، ۱۳۹۳: ۵۹).

مجموعه‌های فازی با ارزیابی‌های کمی و کیفی ترکیب می‌شوند: ۱ و ۰ ارزیابی‌های کمی و به ترتیب کاملاً عضو و کاملاً غیرعضو؛ و ارزش‌های مابین ۱ و ۰ عضویت نسبی را می‌پذیرند. در این معنا یک مجموعه فازی می‌تواند به عنوان یک متغیر پیوسته دیده شود که هدف‌مندان برای نشان دادن درجه عضویت در یک مجموعه تعریف شده است. چنین درجه‌بندی‌ای تنها از طریق استفاده از دانش نظری و اساسی امکان‌پذیر است که برای مشخص نمودن سه نقطه انفصال کیفی ضروری است: عضویت کامل (۱)، عدم عضویت کامل (۰) و نقطه حداکثر ابهام در مورد عضویت (۰/۵) (راگین و پنینگ، ۲۰۰۵: ۴۲۴).

یکی از مفاهیم اساسی در روش فازی کالیبراسیون^۳ است. کالیبراسیون «تنظیم کردن و تحت تحت قاعده در آوردن مدارج (فواصل) وسیله‌ی سنجش است» (چلبی، ۱۳۸۸). کالیبراسیون

1- Binary

2- Ragin & Pennins

1- Calibration

فازی همزمان با اهداف روش‌های کمی و کیفی، به خصوص با دغدغه‌های روش‌های کیفی سازگاری دارد که مایل است بین "تغییر بی‌ربط" با "تغییر مرتبط" و تفسیر آن تمایز قائل شود. همچنین کالیبراسیون فازی نسبت به حساسیت روش‌های کمی جهت جای‌گذاری دقیق موارد نسبت به یکدیگر، یعنی سنجش دقیق، هم‌آوایی دارد (چلبی، ۱۳۸۸).

برای کالیبراسیون داده‌های کیفی چند مرحله را طی نمودیم که این مراحل عبارتند از؛ مشخص نمودن مفاهیم پژوهش، تدوین درخت مفهومی، تعریف ویژگی‌ها و چارچوب کالیبراسیون، به کارگیری چارچوب کالیبراسیون برای داده‌ها، اختصاص نمرات عضویت فازی به مفاهیم. در ادامه درباره‌ی هر مرحله به اختصار توضیحی ارائه می‌گردد.

مشخص نمودن مفاهیم مربوط به پژوهش

ابتدا مفاهیمی که باید کالیبره گردند مشخص شدند (راگین، ۲۰۰۰، باسورتو و اسپیر^۱، ۲۰۱۲). این مفاهیم برگرفته از نظریه‌ها، گزاره‌ها و مدل‌های نظری و ... هستند. در این پژوهش مفهوم مورد بررسی خلیقات ایرانیان است که در قالب سه مصداق جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون-گریزی مورد بررسی قرار گرفت.

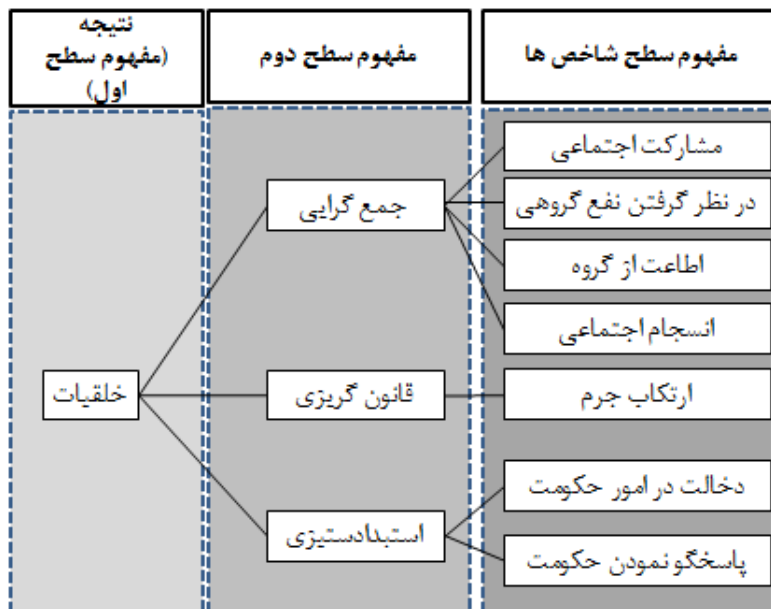
تدوین درخت مفهومی

دومین مرحله، تدوین درخت مفهومی، به مفاهیم مورد بررسی (خلقیات در قالب سه مصداق ذکرشده) مربوط است. برای تدوین درخت مفهومی مفاهیم در سطوح و ابعاد مختلف شناسایی شدند. مفاهیم سطح اول مفاهیمی هستند که از نظر تئوریک برای گزاره‌های تئوریک مورد استفاده قرار می‌گیرند (گورتز^۲، ۲۰۰۶: ۷-۶). مانند مفهوم خلیقات در این پژوهش. سطح بعدی و با انتزاع کمتر، مفاهیم سطح دوم نامیده می‌شوند (همان). برای مثال، زمانی که می‌گوییم خلیقات ایرانیان شامل جمع‌گرایی، قانون‌گریزی و استبدادپذیری می‌شود به سطح دوم مفاهیم حرکت می‌کنیم.

2- Basurto & Speer

3- Goertz

مفاهیم در سطح شاخص‌ها مفاهیمی هستند که با استفاده از آنها محقق به اطلاعات تجربی واقعی دست می‌یابد. این شاخص‌ها متغیرهایی هستند که کدگذاری شده‌اند و اساس اندازه‌گیری کمی قرار می‌گیرند (همان).



شکل ۱: درخت مفهومی خلقیات ایرانیان

در این پژوهش با سه مصداق خلقیات یعنی جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون‌گریزی روبه‌رو هستیم.

جمع‌گرایی قائل به این است که گروه، ملت، اجتماع، طبقه، نژاد واحد اساسی واقعیت و معیار نهایی ارزش است. این دیدگاه واقعیت فرد را انکار نمی‌کند؛ اما در نهایت بر این اعتقاد است که هویت فرد توسط گروه‌هایی تعیین می‌شود که فرد با آنها کنش متقابل دارد، و در اساس هویت هر فرد در ارتباط با دیگران شکل می‌گیرد. جمع‌گرایی مبتنی بر این است که پیشرفت، محصول جامعه است. در این دیدگاه فرد سخن‌گوی موقتی برای فرآیندهای اساسی پیشرفت جمعی محسوب می‌شود (استاتا^۱، ۱۹۹۲ به نقل از وثوقی و میرزایی، ۱۳۸۷: ۳۰۶).

جمع‌گرایان توجه زیادی به درون گروه معین خود دارند و در مقایسه با فردگرایان به سمت اعضای درون گروه متفاوت‌تر از اعضای برون گروه رفتار می‌کنند. در فرهنگ‌های جمع‌گرا رفتارها به طور وسیعی به وسیله‌ی هنجارهای درون گروه ضابطه‌مند می‌شود. این در حالی است که در فرهنگ‌های فردگرا رفتارها وسیعاً توسط علایق فردی و تحلیل هزینه-فایده تنظیم شده است. در فرهنگ‌های جمع‌گرا تأکید زیادی بر سلسله مراتب وجود دارد و معمولاً پدر سرور و مرد برتر از زن است؛ اما در فرهنگ فردگرایانه این گونه نیست. خوداتکایی در فرهنگ‌های فردگرا و جمع-گرا معانی متفاوتی دارد. خوداتکایی در بین فردگرایان به این معنی است که من می‌توانم هر چیزی را که بخواهم انجام دهم؛ ولی در فرهنگ‌های جمع‌گرا به معنی این است که من باری برای درون گروه نیستم. جمع‌گرایان تمایل دارند گروه‌ها را به عنوان واحد اساسی تحلیل جامعه و فردگرایان تمایل دارند افراد را به عنوان واحد تحلیل اساسی جامعه تصور کنند. فردگرایان فکر می‌کنند که درون گروه ناهم‌نوا تر از برون گروه است، ولی جمع‌گرایان برعکس هستند (تریاندیس و همکاران^۱، ۱۹۹۰: ۱۰۷).

به نظر تریاندیس فرهنگ جمع‌گرا دارای ویژگی‌های زیر است؛ تعریف خود با دیگران، پیروی از هنجارهای درون گروه، تجربه اختلاف شناختی اندک، وظیفه‌شناسی، هماهنگی با گروه (تریاندیس^۲، ۱۹۸۸: ۱۲۰-۱۱۹). وی از دو نوع جمع‌گرایی افقی و عمودی نام برده و پیامدهایی را برای جمع‌گرایی برمی‌شمارد که عبارتند از؛ اهمیت اهداف گروهی، تعیین هنجارها و ارزش‌ها از طریق گروه مرجع، اهمیت رضایت گروه، تعیین باورهای فرد از طریق جمع، رابطه تنگاتنگ اعضا (تریاندیس و گلفاند^۳، ۱۹۹۸). بر اساس زمینه نظری و تجربی چهار شاخص برای جمع‌گرایی در نظر گرفته شد که عبارتند از؛ انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، در نظر گرفتن نفع جمعی و اطاعت از گروه. در جدول ۱ شاخص‌ها و زیرشاخص‌های جمع‌گرایی به همراه شواهد تاریخی مرتبط با آن ارائه گردید. همبستگی اجتماعی با زیرشاخص‌هایی چون همبستگی اقشار، شهرها، نیروهای اقتصادی و همبستگی مذاهب بررسی شد. مشارکت نیز با مشارکت اعضای جامعه و در نظر گرفتن نفع جمعی نیز با زیرشاخص‌هایی چون در نظر گرفتن منافع کشور و گروه‌های مختلف سنجیده شد. اطاعت از گروه نیز شامل دو زیرشاخص اطاعت مردم از رهبران قیام و اطاعت اندرون سلطنتی می‌شود.

2- Ttiandis et al.

3- Triandis

4- Triandis & Gelfand

جدول ۱: شاخص‌ها، زیرشاخص‌ها و شواهد تاریخی مفهوم جمع‌گرایی

مفهوم	شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها	شواهد تاریخی
جمع-گرایی	انسجام اجتماعی	همبستگی اقشار مختلف جامعه	در پایتخت بازرگانان و بازاریان، درس‌خواندگان جدید، طلاب مدارس و عامه مردم در این جنبش همگانی همراه گشتند، گرچه با انگیزه‌های مختلف...مردم از زن و مرد، عالم و عامی در این کار سخت ایستاده‌اند. همچنین فرنگی‌مآبان که به فرایض و مستحبات دینی اعتنا و اعتقاد نداشتند...در واقع اعلان جنگ ملت بر دولت بود (آدمیت، ۱۳۵۵: ۳۹).
		همبستگی شهرها	پس از انتشار فتوای تنباکو در همه بلدان ایران عموم مردم متفق شده، قلیان و چپق و سیگار را ترک کردند (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۲-۲۱).
		همبستگی نیروهای اقتصادی و مذهبی	از آغاز هیجان بازرگانان و علما با یکدیگر همکاری داشتند. ... آنان دو قدرت بسیار مستقل از دولت تشکیل دادند: یکی قدرت اقتصادی و دیگر مذهبی (الگار، ۱۳۶۹: ۳۱۰).
		همبستگی مذاهب	پس از انتشار فتوا عموم مردم به هر مذهبی که بودند متفق شدند (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۲-۲۱).
مشارکت اجتماعی	مشارکت اعضای جامعه		این قیام ملی هم نه تنها در طهران و شهرستان‌ها؛ بلکه از تمام ولایات و دهات کوچک و بزرگ بلند شده بود به طوری که فلان رعیت (کشاورز) در صحرا هم برای رفع خستگی خود حاضر نبود توتون و سیگار بکشد، تمام مردم از زن و مرد و بادیه‌نشین و ایلات و عشایر دست به تحریم توتون و تنباکو زدند (اعظام قدسی، ۱۳۴۲: ۴۴-۴۳).
در نظر گرفتن نفع جمعی	در نظر گرفتن منافع اقتصادی کشور		حاج محمدرحیم اصفهانی به امین‌الضرب نوشت: گر چه به ظاهر سالی پنجاه هزار تومان از بابت امتیازنامه به خزانه دولت می‌رسد، لکن... بعداً ملتفت خواهند شد که برای دولت و ملت ضرر کلی دارد. وی میزان زبان مالی دولت را با محاسبه دقیق و ذکر ارقام به دست می‌دهد (آدمیت، ۱۳۶۰: ۱۷-۱۶).

<p>فرستاده ناصرالدین شاه از آشتیانی پرسیده بود که چرا با پادشاهش می‌جنگد و او چنین پاسخ داده بود: چون من نماینده ملت هستم، ملتی که از همه تحمیل‌های او به تنگ آمده است (کدی، ۱۳۵۶، ۱۴۱).</p>	<p>در نظر گرفتن منافع گروه‌های مختلف</p>	
<p>پس از فتوای شیرازی «همه اصناف مختلف مردم دارالخلافه، از مرد و زن، عالم و عامی، بزرگ و کوچک با همه آن طبایع مختلفه و آراء متخالفه، چنان در کمال تمکین و انقیاد، همگی بر سر این نقطه متفق و مجتمع شدند که تا عصر جمعه در تمامی این شهر عظیم، از هیچ نقطه و محلی، دود دخان چیق و قلیان بلند نمی‌شد (اصفهانی کربلائی، ۱۳۸۲: ۱۴۰).</p>	<p>اطاعت مردم عادی از رهبران قیام</p>	<p>اطاعت از گروه</p>
<p>دود چیق و قلیان...و نه ظاهراً از حرمسرای شاهی بلند شد. به دستور شاه در آبدارخانه سلطنتی هم بساط غلیان را برچیدند، گر چه او و امین‌السلطان و بسیاری از اهل دولت از دخانیات پرهیز نجستند (آدمیت، ۱۳۶۰: ۷۶-۷۷).</p>	<p>اطاعت اندرون سلطنتی از مجتهد</p>	

معنی کلمه‌ی استبداد عبارت است از؛ «یک عمل و یا تصمیم خودسرانه‌ی یک فرد بدون در نظر گرفتن عقاید دیگران» (حائری، ۱۳۵۳: ۵۳۹). به عبارتی، استبداد یک پدیده‌ی اجتماعی-سیاسی است و به معنای اعمال خودسرانه و خشونت‌بار قدرت سیاسی یا روش حکومتی است که می‌تواند مشروعیت سنتی هم داشته باشد (علمداری، ۱۳۸۱: ۸۳). «حکومت استبدادی نیز حکومتی است که هیچ‌گونه ضابطه، قانون و قراردادی مکتوب یا نانوشته را برنمی‌تابد. به تعبیر دیگر، نظام سیاسی فاقد عقلانیت است» (گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۸۹).

کواکبی چند خصوصیت برای استبداد برشمرد که عبارتند از؛

- تصمیم‌گیری خودسرانه در اموری که مستلزم مشورت است؛
- عدم وجود نظارت و بازخواست از حکومت؛
- عدم تقید افعال حکومت به شرع و یا به آزادی مردم و تبعیت از هوای نفس (کواکبی، ۱۳۶۳).

در این پژوهش با توجه به زمینه‌ی نظری و تجربی مورد بررسی برای مفهوم استبدادستیزی دو شاخص مداخله در امور حکومت و پاسخگو نمودن حکومت شناسایی شد که هر یک دارای زیرشاخص‌های تجربی هستند. مداخله در امور حکومت با دو زیرشاخص سطح مبارزه و گروه‌های

معترض مورد سنجش قرار گرفت. به این معنا که مردم تلاش نمودند تا از طریق مبارزه در تصمیمات حکومت در سطح شاه دخالت نمایند و این مبارزه توسط بیشتر مردم جامعه اتفاق افتاد. منظور از سطح مبارزه این است که مردم مبارزه‌شان را به کدام یک از سطوح حکومت (شاه به عنوان بالاترین سطح تا سطوح پایین تر مانند؛ حکمرانان محلی مد نظر است) معطوف کرده‌اند و منظور از گروه‌های معترض، گروه‌هایی است که به مبارزه برای رسیدن به اهداف خود حاضر شدند که در این قیام عمومی، بخش کثیری از جامعه شرکت داشتند. در بعد پاسخگو نمودن حکومت نیز از شاخص تلاش برای جلب رضایت مردم استفاده شد.

جدول ۲: شاخص‌ها، زیرشاخص‌ها و شواهد تاریخی مفهوم استبدادستیزی

مفهوم	شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها	شواهد تاریخی
استبدادستیزی	مداخله در امور حکومت	سطح مبارزه	مردم بالاترین سطح مبارزه یعنی مبارزه با شاه را برگزیدند: مردم تبریز در ۲۱ محرم مستدعیات خود را به شاه تلگراف کرده و به او خاطرنشان ساخته‌اند که از واگذاشتن منافع مسلمین به عیسویان که مخالف قرآن است خودداری نمایند و اگر این تقاضا مورد قبول نیاید خود با اسلحه از حقوق حقه خویش دفاع خواهند کرد (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۱۶).
		گروه‌های معترض	نماینده‌ی انگلیس در تبریز به تاریخ ۱۵ اوت چنین گزارش کرد: «بی‌نهایت مشکل خواهد بود که شخص به خصوصی را در این آشوب مقصر بدانیم، چون محدود به یک فرقه نیست و روشن است که تمام مردم از وضع و شریف به عنوان کوششی برای دخالت در حقوق ملی و مذهبی خود، شدیداً به آن دامن می‌زنند» (کدی، ۱۳۵۶، ۹۸).
		مبارزه تا دستیابی به هدف	پس از کشمکش‌های فراوان سرانجام ناصرالدین شاه مجبور شد قرارداد رژی را ملغی کند.
	پاسخگو نمودن حکومت	تلاش برای جلب رضایت مردم	در واکنش به اعتراض مردم تبریز برای الغای قرارداد رژی شاه در دستور تلگرافی به حکمران آذربایجان اعلام کرد که: «برای تسکین هیجان تبریز، دولت با کمپانی مذاکره خواهد داشت که تدابیری در رفع همه‌ی علل ناراضماندی و هراس مردم به کار گرفته شود» (آدمیت، ۱۳۶۰: ۴۰-۳۹).

«قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی است که بر اساس آن فرد عدم پیروی از این هنجارها را بر پیروی ترجیح می‌دهد. این جهت‌گیری حاصل ترجیح کنشگری است که تحت شرایط خاص محیطی شکل می‌گیرد» (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۸). قانون‌گریزی نادیده گرفتن رفتارها و هنجارهایی است که دارای ضمانت‌های اجرایی رسمی می‌باشند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۳).

از معرف‌هایی که با آن می‌توان میزان قانون‌گریزی یا قانون‌پذیر بودن افراد یک جامعه را سنجید عبارتند از؛ نوع نگرش به قانون، میزان ارتکاب جرم، میزان مشارکت اجتماعی، میزان انسجام اجتماعی و میزان تثبیت نظام حقوقی (فخرائی، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۳). در این پژوهش با بررسی زمینه‌ی تجربی پژوهش، ارتکاب جرم به عنوان شاخص قانون‌گریزی شناسایی شد که دارای دو زیرشاخص تهدید جانی مسلمانان و بیگانگان است. در واقع تنها قانون‌گریزی صورت گرفته در این قیام سراسری ارتکاب جرایمی مانند تهدید بیگانگان و مسلمانان بود.

جدول ۳: شاخص‌ها، زیرشاخص‌ها و شواهد تاریخی مفهوم قانون‌گریزی

مفهوم	شاخص‌ها	زیرشاخص‌ها	شواهد تاریخی
قانون‌گریزی	تهدید جانی	تهدید جانی مسلمانان	۲۴ جمادی‌الاولی فوریه نقل می‌کند: شب گذشته به دیوارها اعلامیه‌هایی چسبانده و تهدید کرده بودند که اگر تا ۴۸ ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود جان خارجیان در خطر خواهد افتاد (فووریه، ۱۳۸۵: ۲۲۸).
	تهدید جانی بیگانگان	تهدید جانی بیگانگان	کارمندان ایرانی رژی، در اعلان‌ها تهدید شده بودند که چنانچه استعفا نکنند، کشته خواهند شد و بسیاری از آنها استعفا می‌کردند. مردم مسلح می‌شدند و برای نیروهای آینده آذوقه ذخیره می‌کردند (سرداری نیا، ۱۳۷۷: ۷۳).

تعریف چارچوب کالیبراسیون برای داده‌ها

پس از شناسایی مفاهیم در سه سطح مورد بررسی لیستی از نقاط لنگر برای هر مجموعه فازی شناسایی شد. نقاط لنگر آستانه‌های مهمی هستند که مجموعه فازی را شکل می‌دهند. نقاط لنگر به محقق کمک می‌کنند تا تصریح نمایند که چگونه موردی که در یک مجموعه فازی عضویت بیشتری دارد را از موردی متمایز می‌کند که در مجموعه فازی عضویت کمتری دارد. راگین نقاط مختلف عضویت فازی را با ارزش‌های متفاوت مشخص نمود که در جدول زیر ارائه می‌گردد.

راگین برای نشان دادن ایده کلی مجموعه فازی، از یک مجموعه سه‌ارزشی ساده شروع کرد که می‌تواند موارد را در منطقه‌های خاکستری بین "درون" و "بیرون" یک مجموعه قرار دهد. همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، به جای استفاده از تنها دو نقطه صفر و یک (مجموعه دوارزشی) سه ارزش (مجموعه فازی سه‌ارزشی) مشخص شد که نقطه ۰/۵ نشان‌دهنده‌ی مواردی است که نه کاملاً درون و نه کاملاً بیرون مجموعه قرار می‌گیرند. این مجموعه سه‌ارزشی یک مجموعه فازی اولیه است. یک مجموعه دقیق‌تر می‌تواند شامل؛ مجموعه فازی چهار و یا شش ارزشی و یا شامل ارزش‌های پیوسته باشد (راگین، ۲۰۰۹: ۹۰). این نقاط لنگر به محقق کمک می‌کند تا تصریح نماید که چگونه موارد مختلف بیشتر یا کمتر در یک مجموعه فازی قرار می‌گیرند (باسورتو و اسپیر، ۲۰۱۲: ۱۶۱).

جدول ۴: مجموعه‌های فازی با ارزش‌های مختلف؛ یا نقاط لنگر اولیه (راگین، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹)

مجموعه فازی پیوسته	مجموعه فازی شش ارزشی	مجموعه فازی چهار ارزشی	مجموعه فازی سه ارزشی
عضویت کامل (۱)	عضویت کامل (۱)	عضویت کامل (۱)	عضویت کامل (۱)
بیشتر درون تا بیرون $0/5 < X_i < 1$	بیشتر درون تا بیرون (۰/۹)		
	عمدتاً درون مجموعه (۰/۶۷)		
	بیشتر یا کمتر درون (۰/۶)		
نقطه گذار (۰/۵)			نقطه گذار (۰/۵)
بیشتر بیرون تا درون $0 < X_i < 0/5$	بیشتر یا کمتر بیرون (۰/۴)		
	بیشتر بیرون تا درون مجموعه (۰/۳۳)		
	بیشتر اما نه کاملاً بیرون (۰/۱)		
عدم عضویت کامل (۰)	عدم عضویت کامل (۰)	عدم عضویت کامل (۰)	عدم عضویت کامل (۰)

در این پژوهش نیز محققان برای هر یک از زیرشاخص‌های پژوهش جداولی تشکیل دادند و

نقاط لنگر کمی و کیفی برای آن شناسایی نمودند. برای مثال، مشارکت اعضای جامعه در اعتراض به قرارداد رژی یکی از زیرشاخص‌های مشارکت اجتماعی (مربوط به مصداق جمع‌گرایی) بود که چارچوب کالیبراسیون آن ارائه می‌گردد.

جدول ۵: چارچوب کالیبراسیون مشارکت اعضای جامعه

مجموعه‌ی فازی	لنگرگاه‌های کیفی
عضویت کامل (۱)	همه‌ی مردم در اعتراضات علیه قرارداد رژی شرکت کردند.
بیشتر درون تا بیرون (۰/۹)	تعداد بسیار زیادی مردم در اعتراضات علیه قرارداد رژی شرکت کردند.
بیشتر یا کمتر درون (۰/۶)	تعداد زیادی از مردم در اعتراضات علیه قرارداد رژی شرکت کردند.
بیشتر یا کمتر بیرون (۰/۴)	تعداد کمی از مردم در اعتراضات علیه قرارداد رژی شرکت کردند.
بیشتر اما نه کاملاً بیرون (۰/۱)	تعداد خیلی کمی از مردم در اعتراضات علیه قرارداد رژی شرکت کردند.
عدم عضویت کامل (۰)	مردم در اعتراضات علیه قرارداد رژی شرکت نکرد.

بکارگیری چارچوب کالیبراسیون برای داده‌ها

پس از تهیه‌ی چارچوب کالیبراسیون، اولین گام در استفاده از چارچوب موجود، کار کردن از طریق بعد سطح شاخص و دسته‌بندی داده‌های جمع‌آوری‌شده درون نمرات عضویت است. در واقع محققان تک تک داده‌های کیفی مربوط به هر شاخص را در چارچوب کالیبراسیون تعریف شده قرار دادند. برای مثال، جدول ۵ راهنمایی است برای داده‌های مربوط به مشارکت اعضای جامعه که به ما کمک نمود تا شواهد تاریخی را در چارچوب کالیبراسیون مربوط به آن قرار دهیم.

اختصاص نمرات عضویت به مفاهیم

پس از تشکیل چارچوب کالیبراسیون برای همه‌ی شاخص‌ها، در این مرحله به هر مفهوم نمره عضویتی اختصاص یافت.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، اختصاص نمره‌ی عضویت «ابتدا از سطح شاخص‌ها (پایین‌ترین سطح انتزاع) آغاز شد. بدین منظور، ابتدا در هر درخت مفهومی روابط بین ابعاد تعریف شدند» (لگوی^۳، ۲۰۱۷). سه رابطه بین سطح اول و دوم مفاهیم می‌تواند وجود داشته باشد: رابطه‌ی علی^۴، هستی‌شناختی^۵ و جانمایی^۶. بر اساس نوع رابطه‌ی بین مفاهیم و سطوح مختلف آن، برای

- 1-Legewie
- 2- Casual
- 3-Ontological
- 4- Substitutability

اختصاص نمره‌ی عضویت از منطق «یا»^۷ یا «و»^۸ استفاده می‌شود. در رویکرد کلاسیک از «و» برای اتصال متغیرها استفاده می‌شود؛ اما گورتز و ماهونی معتقدند که باید از «یا» برای اتصال سطوح استفاده نمود که «یا» به معنی انتخاب شاخصی است که بالاترین نمره‌ی عضویت را دارا است (گورتز و ماهونی، ۲۰۰۶: ۴۹۸). در این پژوهش با توجه به نوع رابطه‌ی بین مفاهیم و سطوح از منطق «یا» یا همان بالاترین نمره‌ی عضویت برای هر شاخص استفاده گردید.

سپس برای حصول نتیجه‌ی کارآمدتر از متخصصان حوزه (دیویس^۹، ۱۹۷۳) استفاده شد. به این صورت که در این مرحله برای تشخیص اهمیت شاخص‌های سه مصداق مورد بررسی در قیام رژی پرسش‌نامه‌ای تهیه شد و از متخصصان حوزه‌ی مورد بررسی درخواست گردید به هر یک از شاخص‌های مفاهیم بر اساس اهمیت‌شان نسبت به جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون‌گریزی، وزنی اختصاص دهند تا مشخص گردد کدامین شاخص در مفهوم مورد بررسی اهمیت بیشتری دارد. برای مثال، در بررسی مفهوم جمع‌گرایی، همه‌ی شاخص‌ها به همراه شواهد تاریخی به متخصصان ارائه و از آنها خواسته شد تا به هر یک از شاخص‌های جمع‌گرایی بر اساس اهمیت‌شان وزنی بین ۰ تا ۱۰ اختصاص دهند. در این پژوهش یازده نفر از متخصصان حوزه‌ی خلیات به این شاخص‌ها وزنی را اختصاص دادند. متخصصان شامل؛ اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و دانش‌آموختگان و دانشجویان دکتری علوم اجتماعی بودند. پس از نرمال‌سازی وزن‌های تخصیص‌یافته توسط متخصصان بین ۰ تا ۱، با میانگین‌گیری، وزن مختص به هر شاخص به دست آمد. سپس با ضرب وزن هر شاخص در نمره‌ی عضویتی که محققان به هر یک از شاخص‌ها بر اساس مطالعات اسنادی تخصیص داده بودند یک نمره‌ی عضویت نهایی هر شاخص به دست آمد که نشان‌دهنده‌ی میزان عضویت هر یک از مصداق و شاخص‌های خلیات در واقعه‌ی رژی است.

۴- یافته‌های پژوهش

پس از عقد قرارداد رژی بین ایران و انگلیس در سال ۱۲۶۸ ه.ش مردم با آن به مخالفت پرداختند و آن را ملغی نمودند. برای مبارزه جهت لغو قرارداد رژی خلیاتی از ایرانیان نمود یافت که در این پژوهش به آن پرداختم. سه خلق جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون‌گریزی از ویژگی‌هایی هستند که در جریان واقعه‌ی رژی شناسایی شدند که در ادامه به بررسی آنها پرداخته شده است.

7- OR
8- AND
1- Davis

جمع‌گرایی

با توجه به زمینه‌ی نظری و تجربی چهار شاخص برای کالیبراسیون جمع‌گرایی ایرانیان در واقعه‌ی رژی در نظر گرفته شد که عبارتند از؛ مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، در نظر گرفتن نفع گروهی توسط مردم و اطاعت از گروه. در نهایت، برای هر یک از این چهار مفهوم نیز با توجه به زمینه‌ی تجربی شاخص‌هایی شناسایی شد که به هر یک از شاخص‌ها نمره‌ی عضویت فازی اختصاص یافت.

مشارکت اجتماعی

بعد از قرارداد رژی مردم ایران برای لغو آن مشارکت نمودند. مردم از ابتدا شروع به اعتراض نمودند تا اینکه به فتوای میرزای شیرازی دست به تحریم تنباکو زدند. مشارکت اجتماعی با شاخص مشارکت مردم در مقابله با واقعه‌ی رژی سنجیده شد. که در ابتدا، محققان نمره‌ی ۱ عضویت فازی را به آن اختصاص دادند که با ضرب نمره‌ی عضویت محققان در وزن متخصصان ۰/۹۲ نمره‌ی عضویت فازی به آن تعلق گرفت.

جدول ۶: نمره‌ی عضویت فازی برای شاخص مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی	نمره‌ی عضویت اولیه	وزن متخصصان	نمره‌ی عضویت نهایی
مشارکت مردم در مقابله با قرارداد رژی	۱	۰/۹۲	۰/۹۲

در نظر گرفتن نفع جمعی

مردم ایران در مبارزه با قرارداد رژی منافع یکدیگر و جامعه را در نظر داشتند. آنها منافع اقتصادی کشور را کوتاه مدت و بلندمدت در نظر می‌گرفتند و معتقد بودند که همه‌ی افرادی که به نوعی با توتون و تنباکو سر و کار دارند؛ از این قرارداد ضرر خواهند نمود. از این رو، در بررسی جمع‌گرایی یکی از شاخص‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت؛ در نظر گرفتن منافع جمعی بود.

جدول ۷: نمره‌ی عضویت فازی برای هر یک از شاخص‌های نفع جمعی

در نظر گرفتن نفع جمعی	نمره‌ی عضویت اولیه	وزن متخصصان	نمره‌ی عضویت نهایی
در نظر گرفتن منافع اقتصادی کشور	۰/۵	۰/۵۶	۰/۲۸
در نظر گرفتن منافع گروه‌های مختلف	۱	۰/۷۶	۰/۷۶

در نظر گرفتن نفع گروهی که با دو شاخص در نظر گرفتن منافع اقتصادی کشور و در نظر گرفتن منافع گروه‌های مختلف بررسی شد که هر یک از این دو شاخص به ترتیب ۰/۲۸ و ۰/۷۶ نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص دادند (جدول ۷).

انسجام اجتماعی

در مقابله با قرارداد رژی مردم ایران انسجام اجتماعی بالایی از خود نشان دادند. این انسجام در قالب همبستگی اقشار جامعه، همبستگی شهرها، همبستگی نیروهای اقتصادی و مذهبی و همبستگی مذاهب خود را نشان داد. همبستگی همه‌ی اقشار جامعه ۰/۸۷ نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص داد. همبستگی مذاهب، همبستگی شهرها و همبستگی نیروهای اقتصادی و مذهبی نیز به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۱ و ۰/۷۵ نمره‌ی عضویت را به خود اختصاص دادند.

جدول ۸: نمره‌ی عضویت فازی برای شاخص‌های انسجام اجتماعی

نمره‌ی عضویت نهایی	وزن متخصصان	نمره‌ی عضویت اولیه	انسجام اجتماعی
۰/۸۷	۰/۸۷	۱	همبستگی اقشار مختلف جامعه
۰/۸۱	۰/۸۱	۱	همبستگی شهرها
۰/۷۵	۰/۸۴	۰/۹	همبستگی نیروهای اقتصادی و مذهبی
۰/۸۳	۰/۸۳	۱	همبستگی مذاهب

اطاعت از گروه

اطاعت مردم از گروه نیز از شاخص‌های جمع‌گرایی بود که با دو شاخص اطاعت مردم از رهبران قیام و اطاعت اندرون سلطنتی از مجتهد سنجیده شد که هر یک به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۳۲ نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص دادند. همان طور که نتایج نشان داد مردم ایران در مقابله با قرارداد رژی به اطاعت از رهبران قیام در سطح گسترده پرداختند.

جدول ۹: نمره‌ی عضویت فازی برای شاخص‌های اطاعت مردم از گروه

معترض

نمره‌ی عضویت نهایی	وزن متخصصان	نمره‌ی عضویت اولیه	اطاعت مردم از گروه معترض
۰/۸۳	۰/۸۳	۱	اطاعت مردم از رهبران قیام
۰/۳۲	۰/۸۱	۰/۴	اطاعت اندرون سلطنتی از مجتهد

استبدادستیزی

برای استبدادستیزی دو شاخص مداخله در امور مملکت و پاسخگو نمودن حکومت شناسایی شدند که زیر شاخص‌های هر یک در ادامه مورد بررسی قرار گرفت.

مداخله‌ی مردم در امور حکومت

برای مفهوم مداخله در امور مملکت سه شاخص سطح مبارزه، گروه‌های معترض و مبارزه تا دستیابی به هدف شناسایی شدند. در سطح مداخله این موضوع مد نظر است که مردم به مبارزه با قرارداد رژی با شخص شاه پرداختند و در تلگراف‌ها، شب‌نامه‌ها و اعتراضات مختلف شاه را که بالاترین فرد مملکت بود به مبارزه می‌طلبیدند و حتی او را تهدید به مبارزه مسلحانه می‌نمودند. این شاخص ۰/۷۵ نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص داد. شاخص مبارزه تا دستیابی به هدف نیز از شاخص‌های مداخله در امور بود که بالاترین نمره‌ی عضویت فازی یعنی؛ ۰/۸۱ را به خود اختصاص داد. در واقع، مردم مبارزه را تا دستیابی به هدف‌شان ادامه دادند. شاخص گروه‌های معترض نیز ۰/۷۶ نمره‌ی عضویت را به خود اختصاص داد.

جدول ۱۰: نمره‌ی عضویت فازی برای شاخص‌های مداخله‌ی مردم در امور حکومت

مداخله‌ی مردم در امور مملکت	نمره‌ی عضویت اولیه	وزن متخصصان	نمره‌ی عضویت نهایی
سطح مبارزه	۱	۰/۷۵	۰/۷۵
گروه‌های معترض	۱	۰/۷۶	۰/۷۶
مبارزه تا دستیابی به هدف	۱	۰/۸۱	۰/۸۱

پاسخگو نمودن حکومت

شاخص پاسخگو نمودن حکومت از دیگر شاخص‌های استبدادستیزی بود که در قالب تلاش برای رضایت مردم مورد بررسی قرار گرفت که ۰/۲۵ نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص داد. شاه پس از اعتراضات مردم تلاش‌هایی برای جلب رضایت مردم و کاهش ضررهایی که ممکن بود گریبان‌گیر مردم شود نمود که مردم راضی به آن نشدند و در نهایت قرارداد رژی لغو شد.

جدول ۱۱: نمره‌ی عضویت فازی برای شاخص‌های پاسخگو نمودن حکومت

پاسخگو نمودن حکومت	نمره‌ی عضویت اولیه	وزن متخصصان	نمره‌ی عضویت نهایی
تلاش برای جلب رضایت مردم	۰/۳۳	۰/۷۶	۰/۲۵

قانون‌گریزی

شاخصی که برای قانون‌گریزی با توجه به زمینه‌ی نظری و تجربی پژوهش‌شناسایی شد وضعیت ارتکاب جرم بود که زیرشاخص آن عبارت است از؛ تهدید جانی بیگانگان، تهدید جانی مسلمانان. هر یک از شاخص‌های ارتکاب جرم یعنی؛ تهدید جانی بیگانگان و تهدید جانی مسلمانان ۰/۰۶ نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص دادند.

جدول ۱۲: نمره‌ی عضویت فازی برای شاخص‌های وضعیت ارتکاب جرم

وضعیت ارتکاب جرم	نمره‌ی عضویت اولیه	وزن متخصصان	نمره‌ی عضویت نهایی
تهدید جانی بیگانگان	۰/۱	۰/۶۰	۰/۰۶
تهدید جانی مسلمانان	۰/۱	۰/۶۶	۰/۰۶

بر اساس نتایج می‌توان گفت که در واقعه‌ی رژی سه مصداق؛ جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون‌گریزی از خلقیات ایرانیان نمود یافت. جمع‌گرایی با چهار شاخص سنجیده شد که هر چهار شاخص نیز نمره‌ی عضویت نسبتاً بالایی را به خود اختصاص دادند. مشارکت مردم در مقابله با قرارداد رژی ۰/۹۲ نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص داد که بالاترین نمره‌ی عضویت فازی بود. انسجام اجتماعی با شاخص‌هایی مانند؛ همبستگی اقشار مختلف، شهرها، نیروهای مذهبی و اقتصادی و همبستگی مذاهب مورد بررسی قرار گرفت که همبستگی اقشار مختلف با ۰/۸۷ نمره‌ی عضویت بالاترین نمره را به خود اختصاص داد. همچنین اطاعت مردم از رهبران قیام نیز ۰/۸۳ نمره‌ی عضویت را به خود اختصاص داد.

در مقابله با قرارداد رژی قانون‌گریزی‌هایی نیز صورت گرفت که با شاخص ارتکاب جرم مورد بررسی قرار گرفت. این قانون‌گریزی‌ها از نوع قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی بوده که هر دو شاخص تهدید جانی بیگانگان و مسلمانان ۰/۰۶ نمره‌ی عضویت را دریافت نمودند. برای مفهوم استبدادستیزی دو شاخص مداخله در امور حکومت و پاسخگو نمودن حکومت شناسایی شد که مداخله در امور حکومت ۰/۸۱ و پاسخگو نمودن حکومت ۰/۲۵ نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص دادند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد مصادیقی از خلقیات ایرانیان در اعتراض به قرارداد رژی با استفاده از روش فازی کیفی بررسی گردد. برخلاف رویکرد دو ارزشی غالب بر پژوهش‌های خلقیات ایرانیان

در این مقاله نشان داده شد که می‌توان با رویکرد فازی به خلیقات ایرانیان پرداخت. بر این اساس، می‌توان گفت که خلیقات ایرانیان مانند بسیاری از مفاهیم فازی بوده و ایرانیان در دوره‌های مختلف تاریخی در جاتی از فردگرایی/ جمع‌گرایی، استبدادپذیری/ استبدادستیزی، قانون‌پذیری و قانون‌گریزی و غیره را تجربه نموده‌اند.

نتایج نشان داد که ایرانیان در اعتراض به واقعه‌ی رژی در جاتی از جمع‌گرایی، استبدادستیزی و قانون‌گریزی را تجربه کردند. همچنین نتایج نشان داد که در مصداق جمع‌گرایی، مشارکت مردم در اعتراض به قرارداد رژی (۰/۹۲) نمره‌ی عضویت فازی را به خود اختصاص داد. این سطح از مشارکت یکی از تجربیات بی‌نظیر ایرانیان در زمینه‌ی جمع‌گرایی محسوب می‌گردد. این نتیجه، بیشتر در راستای نتایج محققانی چون بی‌من (۹۷۶)، فراستخواه (۱۳۸۹، ۱۳۹۴) و جوادی یگانه (۱۳۹۵) است. چرا که بی‌من خلیقات را در مورد تفسیر تحلیلی سیستم‌های ارتباطی موجود در کل جامعه می‌داند و یا فراستخواه معتقد است نباید نگاه ذات‌باورانه به خلیقات داشته باشیم و جوادی یگانه نیز جامعه ایران را جامعه‌ای دوگانه می‌داند که در موقعیت‌های مختلف، متفاوت عمل می‌کند. چنانچه می‌بینیم مردم در قیام رژی سطح بالایی از جمع‌گرایی و نه فردگرایی را تجربه کردند. این نتایج مخالف نظر محققانی چون؛ جمالزاده (۱۳۴۵)، بازرگان (۱۳۵۷)، قاضی مرادی (۱۳۸۰، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱)، نراقی (۱۳۸۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲)، سریع‌القلم (۱۳۸۶) و ساموئل بار (۲۰۰۴) است که ایرانیان را فردگرا معرفی می‌کنند و یا فردگرایی را از مهم‌ترین ویژگی ایرانیان می‌دانند که بر سایر ویژگی‌های آنها نیز تأثیر گذاشته است. ساموئل بار و قاضی مرادی تأکید زیادی بر فردگرایی ایرانیان دارند و معتقدند که فردگرایی سایر ویژگی‌های ایرانیان را نیز شکل داده است. این در حالی است که می‌بینیم واقعه‌ی رژی یک از وقایعی است که ایرانیان سطح بالایی از جمع‌گرایی را تجربه کرده‌اند.

با مشارکت بالایی که در جامعه رخ داد، مقابله با استبداد نیز جدی‌تر گردید. در این دوره، در زمینه‌ی استبدادستیزی دو شاخص مداخله در امور حکومت و پاسخگو نمودن حکومت در واقعه‌ی رژی ظهور یافت. در واقع در این مرحله مردم تلاش نمودند تا در تصمیم حکومت درباره‌ی توتون و تنباکوی ایران مداخله نموده و دولت نیز تلاش نمود تا حدودی پاسخگو باشد؛ اما در نهایت مبارزه تا دستیابی به هدف ادامه یافت. نتایج این پژوهش در بعد استبدادستیزی همچنان نزدیک-تر به رویکرد فراستخواه و جوادی یگانه و در خلاف نظر یافته‌های محققانی مانند؛ جمالزاده، همایون کاتوزیان، رضاقلی و نراقی است که استبدادپذیری را خلق غالب ایرانیان می‌دانند. محققان پیشین مانند؛ ایزدی (۱۳۶۱)، قاضی مرادی (۱۳۸۰، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱) و همایون کاتوزیان (۱۳۸۸) نیز بر قانون‌گریز و هرج و مرج طلب بودن مردم ایران تأکید زیادی داشتند.

اگر چه در این دوره مردم برای دستیابی به هدف خود دست به اعمالی زدند که در راستای دستیابی به اهدافشان بود؛ اما گریز از قوانین جامعه نیز محسوب می‌شد. ولی باید توجه داشته باشیم قانون‌گریزی در سطح بسیار پایینی (۰/۰۶) رخ داده که در مقابل دو ویژگی دیگر بسیار پایین بوده و در واقع خلق غالب مردم ایران در واقعه‌ی رژی نیست. همچنین باید توجه داشت که مردم از اشکالی خاص از قانون‌گریزی مانند؛ تهدید جانی مسلمانان و بیگانگان استفاده نمودند که به نظر می‌رسد بیشتر از نوع قانون‌گریزی ابزاری باشد تا انواع دیگر آن. در واقع این بخش از پژوهش نیز نشان می‌دهد که در برهه‌های حساس تاریخی همچون قیام رژی مردم ایران علی‌رغم اینکه در یک مبارزه بزرگ به سر می‌بردند، قانون‌گریزی اندکی از خود نشان دادند که این نتیجه، با نظر اندیشمندانی مغایر است که بر قانون‌گریز بودن ایرانیان تأکید می‌کنند. همچنین این پژوهش هم‌راستا با نظر محققانی مانند امیر (۱۳۹۴، ۱۳۹۵) است که معتقد است باید با نگاه نقادانه به نظرات پیشینیان و خلیقات ایرانیان بنگریم و نگاه ذات‌باورانه و صفر و یکی را کنار گذاشته و تلاش نماییم با نگاه نسبی‌گرایانه‌تری به خلیقات ایرانیان پردازیم.

در نهایت می‌توان گفت؛ قیام رژی یکی از وقایع مهم تاریخی است که مردم با مشارکت و انسجام بالا و در نظر گرفتن نفع گروهی و اطاعت از رهبران قیام توانستند با استبداد مبارزه نمایند که این مبارزه و پیروزی تأثیرات زیادی بر عملکرد ایرانیان در وقایع بعدی گذاشت. در پایان بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت که خلیقات ایرانیان امری فازی است که می‌توان نمرات عضویتی بین ۰ و ۱ را به آن اختصاص داد و نگاه و روایت دوارزشی از خلیقات ایرانیان با واقعیت ناسازگار می‌باشد. از این رو، بر این اساس می‌توان گفت که خلیقات ایرانیان تابع اصل عدم قطعیت بوده و نمی‌توان با رویکرد صفر و یکی به تحلیل آن پرداخت. رویکرد فازی در پژوهش خلیقات به ما کمک می‌کند تا از نگاه دو ارزشی مثبت و منفی نسبت به خلیقات ایرانیان دست کشیده و تلاش نماییم خلیقات ایرانیان را در موقعیت‌های مختلف بررسی نموده و مشخص نماییم که در هر دوره تاریخی ایرانیان چه ویژگی‌هایی را با چه درجاتی از خود نشان داده‌اند.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۰). *شورش بر امتیازنامه رژی*. تهران: پیام.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران* (جلد ۱). تهران: پیام.
- اصفهانی کربلائی، حسن (۱۳۶۱). *قرارداد رژی یا تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹* م.ق (چاپ دوم). تهران: مبارزان.

- اعظام قدسی، حسن (۱۳۴۲). *کتاب خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله* (جلد اول). تهران: چاپخانه‌ی حیدری.
- الگار، حامد (۱۳۶۹). *دین و دولت در ایران؛ نقش علما در دوره‌ی قاجار* (چاپ دوم). ترجمه‌ی ابوالقاسم سری. مشهد: انتشارات توس.
- امیر، آرمین (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی خلقیات ایرانی* (رساله‌ی دکتری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران).
- امیر، آرمین (۱۳۹۵). *ره افسانه زدند*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ایزدی، علی محمد (۱۳۶۱). *نجات* (شش جلد). تهران: نشر قلم.
- ایزدی، علی محمد (۱۳۸۲). *چرا عقب مانده‌ایم؟ جامعه‌شناسی مردم ایران*. تهران: نشر علم.
- بازرگان، مهدی (۱۳۵۷). *سازگاری ایرانی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۴۵). *خلقیات ما ایرانیان*. تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۵). *در گزارش وضعیت اجتماعی ایران* (جلد دوم). تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جوادی یگانه، محمدرضا و زادقناد، سعیده (۱۳۹۴). *ایرانیان در زمانه‌ی پادشاهی*. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۸). *شاخص‌سازی تابع عضویت فازی، نوع‌شناسی و واسنجی در جامعه‌شناسی*. *مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران*، ۳(۴)، ۲۰-۱.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۵۳). *سخنی پیرامون واژه استبداد در ادبیات انقلاب مشروطیت ایران*. وحید، ۱۳۰، ۵۴۹-۵۳۹.
- رضاقلی، علی (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی نخبه‌کشی؛ قائم مقام، امیرکبیر و مصدق: تحلیل جامعه‌شناختی برخی از ریشه‌های تاریخی استبداد و عقب‌ماندگی در ایران* (چاپ ششم). تهران: نی.
- رضاقلی، علی (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خودکامگی؛ تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش* (چاپ هفدهم). تهران: نی.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). *میزان، نوع و عوامل موثر بر قانون‌گریزی*. *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، ۳(۳)، ۶۹-۴۷.
- ساعی، علی (۱۳۹۲). *روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی*. تهران: آگه.

- سرداری نیا، صمد (۱۳۷۷). تبریز در نهضت تنباکو. تبریز: آشینا.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۴). تحلیل فازی در برابر تحلیل رگرسیون (کاربردهای سطحی و نامناسب از تحلیل فازی در ایران). *مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۲(۲)، ۱۹۷-۲۱۹.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. تهران: نی.
- علمداری، کاظم (۱۳۸۱). روش‌شناسی شناخت ریشه‌ها و تداوم استبداد. کتاب توسعه، ۱۱، ۸۱-۹۴.
- علمداری، کاظم (۱۳۸۸). چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟ تهران: توسعه.
- فخرائی، سیروس (۱۳۸۶). بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن در شهر تبریز. *پیک نور*، ۵(۱)، ۱۱۱-۱۲۲.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). *ما ایرانیان؛ زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیقات ایرانی*. تهران: نی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۹). درباره نیمرخ رفتار ایرانی؛ سنخ‌شناسی مدل‌ها. *مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران*، ۱۱(۱)، ۲۱-۳.
- فووریه، ژان (۱۳۸۵). سه سال در دربار ایران. ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی. تهران: علم.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۰). *در پیرامون خودمداری ایرانیان (پژوهشی در روانشناسی اجتماعی مرم ایران)* (چاپ دوم). تهران: اختران.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۷). *کار و فراغت ایرانیان*. تهران: کتاب آمه.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۱). *استبداد در ایران*. تهران: کتاب آمه.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۲). *در پیرامون خودمداری ایرانیان*. تهران: کتاب آمه.
- کدی، نیکی. ر (۱۳۵۶). *تحریم تنباکو در ایران*. ترجمه‌ی شاهرخ قائم مقامی (چاپ اول). تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۵۷). *تاریخ بیداری ایرانیان*. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی (جلد ۱). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کلانتری، صمد. ربانی، رسول. صداقت، کامران (۱۳۸۴). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی. *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، ۵(۱۸)، ۲۳-۱.

- کواکبی، عبدالرحمن (۱۳۶۳). *طبایع‌الاستبداد*. ترجمه‌ی عبدالحسین میرزایی قاجار. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۹). *درآمدی بر جامعه‌شناسی استبداد ایرانی*. تهران: مازیار.
- نراقی، حسن (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی خودمانی؛ چرا درمانده‌ایم*. تهران: اختران.
- نراقی، حسن (۱۳۹۱). *پی‌نکته‌هایی بر جامعه‌شناسی خودمانی*. تهران: کتاب‌آمه.
- نراقی، حسن (۱۳۹۲). *ناگفته‌ها: در گفت‌گو با روزبه میرابراهیمی*. تهران: کتاب‌آمه.
- وثوقی، منصور و میرزایی، حسین (۱۳۸۷). *فردگرایی، تأملی در ابعاد و شاخص‌ها. مطالعات جامعه‌شناختی*، ۳۴، ۱۴۲-۱۱۷.
- همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۷). *حکومت خودکامه: نظریه‌ی تطبیقی درباره‌ی دولت، سیاست و جامعه ایران*. در نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران و توسعه‌ی اقتصادی. ترجمه‌ی علیرضا طیب. تهران: مرکز.
- همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۸). *آسیب‌شناسی خلق و خوی ایرانیان*. آیین، ۲۶ و ۲۷، ۳۵-۳۲.

- Bandyopadhyaya, J. (1976). National character and international relations. *International Studies*, 15(4), 531-555.
- Bar, S. (2004). *Iran: cultural values, self-images and negotiating behavior*. IDC Herzliya, Lauder School of Government, Diplomacy and aInstitute for Policy and Strategy.
- Barker, E. (1927). *National character and the factors in its formation*. London: Methuen.
- Basurto, X., & Speer, J. (2012). Structuring the calibration of qualitative data as sets for qualitative comparative analysis (QCA). *Field Methods*, 24(2), 155-174.
- Beeman, W. O. (1976). What is (Iranian) national character? A sociolinguistic approach. *Iranian Studies*, 9(1), 22-48.
- Davis, J. (1973). Group decision and social interaction: A theory of social decision schemes. *Psychological Review*, 80(2), 97-125.
- Goertz, G. (2006). *Social science concepts: a user guide*. Princeton: Princeton University Press.
- Hertz, F. (1934). National Spirit and National Peculiarity. *The Sociological Review*, 26(4), 346-372.
- Legewie, N. (2017). Anchored calibration: from qualitative data to fuzzy sets. In *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research* (Vol. 18, No. 3, p. 24). DEU.

- Mandelbaum, D. G. (1953). On the study of national character. *American Anthropologist*, 55(2), 174-187.
- Neiburg, F. (2001). *International Encyclopedia Of The Social & Behavioral Sciences*. Florida: University of central Florida.
- Nett, Emily M. (1957). An evaluation of the national character concept. *sociological theory*. 36(4), 297-303.
- Ragin, C. C. (2005). *From fuzzy sets to crisp truth tables*. Arizona: University of Arizona.
- Ragin, C. C. (2007). Fuzzy sets: calibration versus measurement. *Methodology Volume of Oxford Handbooks of Political Science*, 2, 1-31.
- Ragin, C. C. (2009). Qualitative comparative analysis using fuzzy sets (fsQCA). *Configurational comparative methods: Qualitative comparative analysis (QCA) and related techniques*, 51, 87-121.
- Ragin, C. C. (2009a). *Redesigning social inquiry: Fuzzy sets and beyond*. Chicago: University of Chicago Press.
- Ragin, C. C., & Pennings, P. (2005). Fuzzy sets and social research. *Sociological Methods Research*, 33(4), 423-430.
- Riesman, D. (1967). Some questions about the study of American character in the twentieth century. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 370(1), 36-47.
- Triandis, H. (1988). Collectivism vs. individualism: A reconceptualisation of a basic concept in cross-cultural social psychology. In Gajendra K. Verma and Chris Bagley, (Eds.), *Cross-cultural studies of personality, attitudes and cognition* (pp. 60-95). London: Palgrave Macmillan.
- Triandis, H. C., & Gelfand, M. J. (1998). Converging measurement of horizontal and vertical individualism and collectivism. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(1), 118-128.

A Study on Iranians' Morals in Reggie Contract (An Investigation of Collectivism, Anti-Authoritarianism and Anarchism)

Afsaneh Ghasemi¹, Sharareh Mehdizadeh² & Susan Bastani³

Received: 18 Sep 2020

Accepted: 20 Jan 2021

Abstract

Iranians' moral is one of the issues researched in recent decades. However, it has been studied with a binary approach in all studies. In this article, we have tried to show that the Iranians' moral is fuzzy and cannot be addressed with a binary approach. Therefore, in this study, we tried to use a fuzzy approach to deal with the Iranians' morals in Reggie contract. The results of the study showed that in the Reggie incident, people gained membership scores in characteristics such as collectivism, anti authoritarianism and anarchism. In the case of collectivism, people gained a fuzzy membership score of 0.92 due to their participation in protesting against the Reggie contract, in the case of anti-authoritarianism, people gained a fuzzy membership score of 0.81 due to struggling until achieving the goal, and in the case of anarchism, people gained a fuzzy membership score of 0.06 due to threatening the lives of Muslims and foreigners. Based on the obtained results, it can be said that the fuzzy approach to the Iranians' morals can give more appropriate results than the binary approach.

Keywords: Iranians' morals; collectivism; anti-authoritarianism; anarchism; Reggie contract.

1- Ph.D. Student of Sociology, Alzahra University, afsaneh_ghasemi@yahoo.com

2- Associate Professor of Sociology, Alzahra University (corresponding author), sh.mehdizadeh@alzahra.ac.ir

3- Professor of Sociology, Alzahra University, sbastani@alzahra.ac.ir